



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۳/۰۸

ولی احمد نوری

اندرز به دختران و نوباوگان وطن،

از استاد خلیل الله "خلیلی افغان"^۱
سالار شعر و ادب دری قرن بیستم افغانستان و منطقه
به مناسبت روز جهانی زن

استاد خلیل الله "خلیلی افغان" عاشق افغانستان و خدمتگار فرهنگ و معارف کشور، در تمام دوره های زندگی و کارش توجه جدی به تدریس نوباوگان و جوانان داشته و به حیث مشاور فرهنگی اعلیحضرت پادشاه افغانستان همواره توجه اعلیحضرت را به مسائل معارف و تحصیلات عالی جلب نموده است. در سراسر افغانستان همه استادان دری لیسه ها و مکاتب سروده آتی استاد را به شاگردان دیکته می کردند. و بعداً هر شاگرد یک به یک آنرا به آواز بلند می خواند و در ختم مورد استقبال و چک چک دیگران می گردیدند.

همچنان کامروز ما آورده دیروز ماست
سیر تاریخ وطن، استاد پند آموز ماست
زین دبستان، عبرت سود و زیان آموختن
ترس را از ساحه آمال بیرون افکنیم
بر سپاه جهل، یک باره شبیخون افکنیم
صبح آمد ای جرس کن ناله شور انگیزتر

قدرت فردای ما، بر همت امروز ماست
ماضی ما مظهر صد پرده ساز و سوز ماست
زین کهن استاد، داستان باید آموختن
وقت آن آمد که ما طرحی دگرگون افکنیم
نا امیدی را ازین خانه به هامون افکنیم
راه روشن پیش روی ماست گامی تیزتر

استاد بی همتای افغانستان بزرگوار (خلیلی افغان) در ایام امتحانات سالانه مکاتب و لیسه های کابل و ولایات از طرف شخص اعلیحضرت محمد ظاهرشاه، پادشاه دیموکرات افغانستان در زمره ممتحنان اشتراک می کرد و هر اولاد این وطن را در آغوش می گرفت و بوسه پدران می کرد. افتخار دیدار ایشان را در کنار جلالتمآ علی محمد خان

۱- جلالتمآب استاد خلیل الله خلیلی در پُست های منشی مجلس وزراء، استاد پوهنتون کابل، عضو اکادمی تاریخ افغانستان، معاون ریاست پوهنتون، مشاور فرهنگی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان، ملک الشعراء افغانستان، وزیر مطبوعات افغانستان، وزیر مشاور و سفیر افغانستان در عراق، دمشق و کویت را عهده دار بوده اند. بر علاوه جناب استاد خلیل الله خلیلی یکی از بزرگترین نویسندگان و سخنوران نامدار و صاحب اعتبار، ادیب شاعر، عارف، فیلسوف، حماسه سرا و سیمای علمی، فرهنگی و تاریخی افغانستان در قرن بیستم افغانستان و منطقه بوده است.

دروازی وزیر دربار سلطنتی در امتحان سالانه مضمون دری صنف یازدهم لیسه استقلال در حضور استاد دری ما که اسم مبارک شان به خاطرم نیست، نیک به خاطر دارم.

استاد مضمون دری ما در طول سال، یکی از سروده های استاد خلیلی افغان را به ما آموخته بود. به شهید مهدی ظفر که آواز و تلفظ زیبا داشت امر کرد همان سروده را بخواند و مهدی ظفر^۲ هم به آواز زیبا و گیرایش آنرا قرائت نمود که در ذیل باهم می خوانیم:

نور چشم وطن، ای بچه "افغان" افسوس	دل من داغ شد از دست تو ای جان افسوس
چند گویم به تو فرزند مسلمان افسوس	به تو ای عنصر افسرده بی جان افسوس
کیست جز تو که کند گریه به ویرانی تو	آوخ، افسوس به این روز پریشانی تو

در سال ۱۳۱۰ هـ شمسی در هرات، شهر بزرگ افغانستان "خطاب به متعلمین" آن ولا چنین خطاب نمود (صفحه ۲۱۶ کلیات)

قوت دل های مسلمان توئی	عظمت آینده "افغان" توئی
زنده کن نام نیاکان توئی	روشنی چشم عزیزان توئی
ما که گذشتیم وطن آن تست	کشور ما خطه فرمان تست
ای گل نو، خار به دل ها مشو	شاخ کج بی سر و بی پا مشو
شیفته ظاهر دنیا مشو	منحرف از مردم دانا مشو
رنخه به آسایش "افغان" مزین	طعنه به آیین نیاکان مزین

اندرز به دختران و نوباوگان وطن، رهنمونی مردم و تشویق شان به ترقی و پیشرفت کشور، آگاهی دادن از افتخارات گذشته و تاریخ و فرهنگ گران بار شان از رسالت هایی است که استاد خلیل الله "خلیلی افغان" دانشمند صاحب مقام وطن، منحيث يك افغان با فرهنگ، با درد و وطن دوست به خوبی و هدفمند در اشعار خود، به ادای آن پرداخته است و این خود نشان دهنده آنست که آن پیغمبر ادب و سخن و عاشق وطن از جهالت و نادانی و پسمانی جامعه رنج می



برده و در طول عمر پربارش در راه رشد، ترقی، انکشاف معارف و مطبوعات مملکت به طور خستگی ناپذیر خدمت نموده است و اولاد افغانستان اخلاقاً مکلف است به آن شخصیت بزرگ و افتخار آفرین سرزمین شان احترام گذارند. بنا بر همین دلایل بود که جناب شان در سال ۱۳۴۲ شمسی، روزی که نشان پر افتخار معارف برای شان تفویض می شد، شعر «خطاب به اولاد وطن را» به صورت آنی قرائت کرده بود.

۲- مهدی ظفر بعد ها یکی از بهترین نطاقان رادیو افغانستان بود که در روز نکبت بار ۷ ثور از طرف کودتا چیان کمونیست (خلق و پرچم) به گناه خواندن اخبار ۸ بجه یی ۶ ثور که گرفتاری خائنین به وطن و دولت را در سرویس دری قرائت نموده بود از طرف ببرک کارمل نامردانه و وحشیانه اعدام شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

در صفحه ۲۲۹ کلیات، ضمن "خطاب به دختر افغان" که ظاهراً به روان مطهر خانم "عنایت سراج" دختر سردار عنایت الله خان نائب السلطنة دوران امیر حبیب الله خان سراج المله، و در واقع به تمام دختران و زنان افغان اهداء شده است، این طور فرماید :

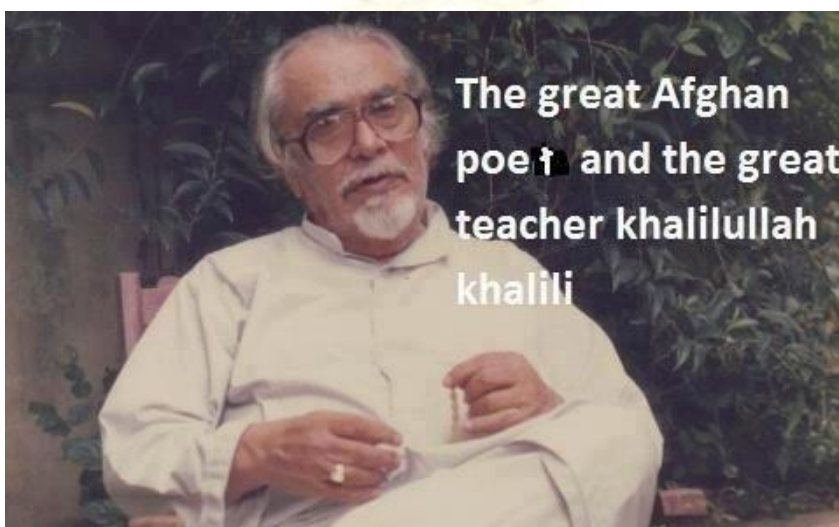
ای شاخه گل شکسته تا چند ای سرو روان نرسته تا چند
ای مرغ بهشت خسته تا چند در کنج قفس نشسته تا چند
بشکن قفس و چمن بیارای

.....

بیرون و درون خانه از تست بام و در آشیانه از تست
سر تا سر این زمانه از تست این عرصه بیکرانه از تست
در کنج خمول تن مفرسای

از ساحل سند تا زرافشان یک عایله یک سرای میدان
ای مادر دودمان افغان از اهل سرا مباحش پنهان
در خانه خویش چهره بکشای

مخاطب اصلی "دختر افغان" در نشیبه استاد خلیلی، زن فداکار افغان خانم "زینب عنایت سراج" است، که بانی و اولین رئیس "مؤسسه نسوان افغانستان" بوده و خدمات شایانی را در تنویر طبقه زنان، طبقه محبوب کشور اداء کرده است. این خدمتگار صادق افغانستان در سن ۴۷ سالگی - یعنی در عنفوان جوانی - در شهر برلین چشم از جهان فرو بست و در قبرستان ترک های برلین تا ابدالآباد و تا دمیدن صبح قیامت به خواب رفت. (۳) به خاطر خدمات فراوان همین خانم بود، که در زمان سلطنت فرخنده اعلیحضرت محمد ظاهرشاه، سینمایی را در "شهر نو" کابل که خو میرمن "زینب عنایت سراج" ایجادگر آن بود، به نامش مسمی ساختند که به نام "سینمای زینب" یا "زینب ننداری" تا امروز در خدمت مردم است.



خلیل الله خلیلی سلطان شعر و ادب افغانستان و منطقه و قافله سالار شعر مقاومت در برابر تجاوز شوروی بر وطنش و کمونیستان سوداگر میهن